

سبک‌شناسی کتاب مشی و مشیانه

سیمین غلامی*، معصومه شبستری

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دی ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۰، صص ۳۹-۲۱

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6466

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: محمد علی یکی از نویسندگان توانمند و صاحب‌سبک در ادبیات معاصر فارسی است و بررسی آثار وی با دیدگاه سبک‌شناسی حائز اهمیت می‌باشد. هدف این مقاله بررسی ویژگی‌های سبکی داستان «مشی و مشیانه» در سه سطح فکری، زبانی و ادبی به همراه مثالهایی از این داستان است.

روش مطالعه: این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی با ذکر نمونه‌هایی منطبق با مؤلفه‌های سبک‌شناسانه انجام شده است. همچنین استفاده از منابع کتابخانه‌ای برای تبیین مبانی نظری پیش چشم بوده است.

یافته‌ها: محمد علی با انتشار کتاب مشی و مشیانه شیوه نوینی در عرصه رمان‌نویسی پایه‌گذاری کرده است. وی توانسته با تلفیق زبان محاوره و نثر رمان و با تکیه بر منابع دینی، اسطوره‌ای و تاریخی، سبک منحصر‌بفردی خلق کند. شعرسرایی محمد علی در قسمتهایی از داستان ضمن نشان دادن توانایی نویسنده، به زیبایی اثر افزوده است. مهمترین شاخصه ادبی این نویسنده بکارگیری صناعات بدیعی بویژه تشبیه است که عمدتاً دارای وجه‌شبه‌های حسی و تحقیقی می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نویسنده ضمن اهمیت دادن به جایگاه زنان، داستان را از زبان آنان روایت میکند. پایبندی به اخلاق و رفتار، خواب، رؤیا، عشق، تبیین مفهوم اسطوره بخصوص اساطیر ایرانی از مهمترین ویژگی‌های فکری این اثر است. بهره‌گیری از لغات عربی و عدم تبعیت در ساختار نحوی جملات، سطح زبانی اثر را رونق بخشیده است. نویسنده سعی کرده است کلمات و مفردات و ساختارهای ادبی کهن را به شیوه‌ای دلنشین بکار برد. محمد علی صنایع لفظی و معنوی را به موازات هم در آثار داستانش بویژه «مشی و مشیانه» بکار گرفته است.

تاریخ دریافت: ۱۸ مهر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۲۱ آبان ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۰۶ آذر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۰ دی ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، محمد محمدعلی، مشی و مشیانه، سطح فکری، سطح زبانی.

* نویسنده مسئول:

simingholami52@yahoo.com

۶۱۱۱۲۵۷۱ (۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of the mashi and mashianeh book

S. Gholami*, M. Shabestari

Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 October 2021
 Reviewed: 12 November 2021
 Revised: 27 November 2021
 Accepted: 10 January 2022

KEYWORDS

Style, Mohammad Mohammad Ali; myth; Female.

*Corresponding Author

✉ simingholami52@yahoo.com

☎ (+98 21) 61112571

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mohammad Ali is one of the prominent and capable writers with a style in contemporary Persian literature. therefore; It is important to study his works from a stylistic point of view. This article examines the stylistic features of the story of "Mashi and Mashianeh" at three levels of thought, language and literature with examples of the story. The main purpose of this article is to review and explain the characteristics of the story of "Mashi and Mashianeh" in three levels.

METHODOLOGY: Ongoing research; It has been done in a descriptive-analytical way.

FINDINGS: Mohammad Ali has established a new method in the field of novel writing with the publication of Mashi and Mashianeh. He was able to create a unique style by combining colloquial language and novel prose and relying on religious, mythological and historical sources. Mohammad Ali's poetry has added to the beauty of the work in parts of the story while showing the author's ability. The most important literary feature of this author is the use of novel virtues, especially similes, which mainly have sensory and research aspects.

CONCLUSION: At the intellectual level, the author, while giving importance to the position of women in the story, narrates the story in the language of women. Adherence to ethics and behavior, dream, dream, love, explaining the concept of Iranian myths and myths are the most important intellectual features of this work. At the linguistic level, his use of Arabic words and his disobedience in the syntactic structure are other features of the story. At the literary level, the author has tried to use the words, content and structures of ancient literature in a pleasant way. He has used rhetorical industries such as puns, rhymes, etc. in spiritual rhetorical industries of contradictions and observations such as many and many similes.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6466](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6466)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 0

مقدمه

یک نویسنده براساس دو عامل موضوع و مخاطب، سبک و شیوه خاصی را در پیش می‌گیرد و در طول متن آن را رعایت میکند. هریک از این سبکها از نظر واژگان، ساختهای دستوری و کاربردهای معنایی با یکدیگر متفاوت است (صفوی، ۱۳۷۱: ۷۵). بنابراین میتوان گفت «سبک حالتی است که نویسنده در آن احساسات خود را بیان میکند و وابسته به دو چیز است: قدرت احساس نویسنده و مایه او. مایه نویسنده باید بر اثر مطالعه و مباحثه آن به پایهای رسیده باشد که بتواند احساسات خود را بیان کند» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۰۵).

هدف سبک‌پژوهی آن است که «تناسب بارز عناصر سبکی زبان را در متن سخن دریابد و باز نماید. در این بررسی تبیین نسبت مجزای این یا آن عنصر سبکی اهمیت شایانی ندارد؛ بلکه کل مناسباتی که ناظر بر عناصر سبکی است، واجد اهمیت است و مهم درک وحدت و نظام عناصر سبکی در متن سخن است. تنها زمانی که شاخصه سبکی تبیین شده باشد، میتوان به ارزش سبکی عناصر بطور مجزا پی برد (عبادیان، ۱۳۷۲: ۴۴).

در ایران ورود رمان و داستان کوتاه سبب شکل‌گیری سبکها (styles) و گونه‌های مختلفی در ادبیات منثور شد. این گرایشها حاصل کوشش چندین ساله نویسندگانی بود که وارث ادبیات غنی پارسی بودند. داستانوارگی پاره‌ای از حکایات کهن مانند کلیله و دمنه، گلستان، و مرزبان‌نامه همه حاکی از این نکته است که سیر رمان و داستان کوتاه به معنای مدرن آن اگرچه با سیصد سال تأخیر در ایران پا به عرصه نهاد (عبداللهیان، ۱۳۷۹: ۱۹)، با موفقیت و رشد چشمگیری در میان مردم رواج پیدا کرد و این همه میسر نبود جز در سایه بنیان استوار ادبیات پارسی. در این مسیر داستان و رمانهایی به قلم درآمد که میتوان گفت هر یک صاحب سبک و مکتبی خاص در داستان‌نویسی شدند.

محمد محمدعلی از نویسندگان معاصر ایرانی است که در سال ۱۳۲۷ در تهران پا به عرصه گیتی نهاد. ایشان سردبیری بسیاری با مجلات، فصلنامه‌ها و مطبوعات را بعهده داشته و آثار وی بطور اخص به اسطوره‌گرایی دارد. مجموعه کتابهای روز اول عشق که به سه کتاب آدم و حوا، مشی و مشیانه، و جمشید و جمک اختصاص دارد و از جمله آثار اسطوره‌ای محمدعلی است و نقش پنهان، برهنه در باد و باورهای خیس یک مرده از جمله آثار رئالیستی این نویسنده میباشد. در بیشتر داستانهای محمدعلی، چندآوایی وجود دارد و داستان از روایت‌های متعدد و گاه راوی نویسنده شکل می‌گیرد (پورنوروز، ۲۰۰۵: ۱۲).

کتاب مشی و مشیانه در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است. این رمان از زبان یک زن روایت میشود و خواب و رؤیا نقش مهمی در پیشبرد داستان دارد. بکارگیری شعر، پانویشت، پینوشت، و ذکر منابع در پایان رمان شکل ظاهری آن را متفاوت کرده است. محمدعلی برای نگارش این اثر به کتابهای تاریخی، اسطوره‌ای و دینی مختلفی مراجعه کرده که سبب خلاقیت و آفرینش ویژگیهای زبانی خاص در این رمان شده است. از آنجاکه محمدعلی کتاب مشی و مشیانه را با سبکی منحصر بفرد به رشته تحریر درآورده، این مقاله در پی پاسخ دادن به این پرسش است که سبک ادبی و شیوه‌های خاص محمد علی در چه مواردی نمود پیدا میکند؟

ضرورت و سابقه پژوهش

با توجه به اینکه تاکنون کتاب مشی و مشیانه بطور جداگانه از دیدگاه سبک‌شناسی ادبی مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته، انجام پژوهش حاضر حائز اهمیت است. از سویی دیگر چون این رمان به داستان آفرینش نخستین زن و مرد ایرانی، از نگاه روایت‌های آریایی می‌پردازد، این پژوهش میتواند خوانندگان ادبیات را با منابع تاریخی، اسطوره‌ای

و دینی مختلف آشنا سازد. تعداد پژوهشها و تحقیق‌هایی که در مورد سبک‌شناسی آثار این نویسنده نگاشته شده، انگشت‌شمار و اندک است. از جمله آن میتوان به مقاله «بررسی سبک زبانی و ادبی داستانهای محمد محمد علی با تکیه بر سه اثر باورهای خیس یک مرده، نقش پنهان و برهنه در باد» (زهره دوستی، ۱۳۹۴) در مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی اشاره کرد. نویسنده مقاله تنها در آن به بیان ویژگیهای زبانی و ادبی این سه رمان اکتفا کرده است.

با توجه به اهمیت مباحث اسطوره‌ای کتاب، نویسندگان بر آن شدند تا برخی ویژگیهای سبکی آن را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده تا این اثر بیش از پیش به مخاطبان شناسانده گردد. پژوهش حاضر، مستخرج از طرح پژوهشی پسادکتر است و در بخش زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران در سال ۱۴۰۰ صورت گرفته است.

بحث و بررسی

خلاصه داستان مشی و مشیانه

رمان مشی و مشیانه داستان آفرینش نخستین زن و مرد در اساطیر ایرانی است. اهورا کیومرث -نخستین انسان- را به همراه گاوی می‌آفریند. کیومرث و گاو رابطه خوبی با هم دارند. آن دو همیشه با هم هستند. اهورا پیش از آفرینش او، انسانهای بعد از او را بصورت جهان مثالی خلاصه‌وار بر او نشان میدهد. او باید بتنهایی جهان را تجربه کند، زیرا اهورا برای او جفتی نیافریده است و او مجبور است بتنهایی زندگی کند. اهریمن از آفرینش و جایگاه کیومرث ناخرسند است و درصدد است کیومرث را بفریبد. دیگر دیوها از جمله دختر اهریمن به دیدار اهریمن میروند و قسم یاد میکنند که به کیومرث و گاوش چنان آسیب بزنند که مجال زایش برای آنها فراهم نگردد. اهریمن به گاو و کیومرث حمله میکند. آفت گرسنگی را به بار می‌آورد تا هر دو بمیرند. گاو دوام نمی‌آورد و میمیرد. جنگ میان اهورا و اهریمن آشکار میگردد. اهورا سی سال دیگر به عمر کیومرث میفزاید و آنگاه خود ۹۰ شبانه‌روز با اهریمن میجنگد. وی پیامبری به نام زرتشت را به کیومرث نشان میدهد. تا اینکه عمر کیومرث بسر می‌آید. اهریمن بصورت کرکسی زشت بر سینه کیومرث مینشیند. کیومرث نطفه‌اش بر زمین می‌رود و اسفند ایزدبانوی زمین آن را جذب میکند. تا اینکه گیاه ریواس می‌روید و مشی و مشیانه از این گیاه پا به زمین میگذارند. آنها هیچ تجربه‌ای از زندگی ندارند، تنها دستنوشته‌های کیومرث را بعنوان راهنمای خود، از روی سنگ‌نوشته‌ها میخوانند. مشی و مشیانه در آرزوی فرزند هستند، هرچند پس از مدتی صاحب فرزند میشوند اما با بی‌احتیاطی خود مرگ کودکان را رقم میزنند. اهورا به آنان فرمان برپا کردن آتش را میدهد. پس از مدتی مشی و مشیانه صاحب فرزند شدند و اولین جفت فرزندان خود را سیامک و سامی نهادند. آنهایتای راهنما به مشیانه آتش درست کردن را آموزش داد. فرزندان مشی و مشیانه هر دو بزرگ و بزرگتر میشوند تا اینکه با یکدیگر ازدواج و به سرزمینهای دیگر مهاجرت میکنند.

تلفیق شخصیت‌های اسطوره‌ای و حقیقی (یکی از مؤلفه‌های سبکی محمد علی)

از مهمترین عناصر وجودی هر داستان شخصیت است. مهمترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و عامل مهم طرح داستان، شخصیت داستانی است (یونسی، ۱۳۸۴: ۳۳). از آنجاکه این داستان، شخصیت‌محور است، این مقاله بر آن است تا از مجرای سبک‌شناسی به معرفی برخی از مهمترین شخصیت‌های آن بپردازد. باوجودآنکه شخصیت‌های داستان مشی و مشیانه اسطوره‌ای هستند، محمد علی سعی کرده است شخصیت‌هایی قابل‌باور برای خواننده بیافریند.

شخصیتهایی که در هر موقعیتی رفتاری متناسب با آن موقعیت از خود بروز میدهند. با اینحال شخصیتهای داستان ایستا هستند و چندان دچار تحول و دگرگونی نمیشوند. یکی از ویژگیهای این داستان وجود شخصیتهای زن در آن است. این زنان با اینکه از لحاظ تاریخی متعلق به چندین هزار سال پیش هستند، رفتارهایی سنجیده و تا حدودی شبیه به زنان امروزی از خود نشان میدهند. محمد علی در داستانهایش به زنان اهمیت میدهد و آنان را بعنوان شخصیتی مستقل و صاحب اراده معرفی میکند. در داستانهای او تحول در عقاید شخصیتهای زن، اندیشه‌ها و خواسته‌هایشان دیده میشود. هرچند داستان «مشی و مشیانه» روایت انسانهای نخستین است، از همان آغاز، توانایی، انتخاب و اراده کارها به مشیانه داده شده است و شاهد یک‌سونگری مردانه و تسلط مردان بر زنان نیستیم. مشیانه حرفها و خواسته‌های خود را به مشی میگوید و هیچگاه احساس نمیکند بعنوان زن از جایگاه نابرابری برخوردار است، چون خود او نقش محوری در پیشبرد داستان دارد. آنگاه که مشی به او میگوید: «آیا میدانی پشت یکی از الواح سنگی کیومرث، نقش زنی بود به شمایل تو؟» (محمدعلی، ۱۳۹۴: ۱۱۰) مشیانه با صراحت و بدون هیچ ترسی درحالیکه ناراحت است میگوید: «چنانچه برای تغییر حواس من این سخن نگفتی، بسیار بیجا کردی مرا از من پنهان کردی» (همان: ۱۱۱). مشی نیز در برابر مشیانه چندان تسلط و حکمرانی از خود نشان نمیدهد و با آرامی پاسخ میدهد: «تو را از دید آیندگان پنهان کردم تا باور نکنند کیومرث بینا و گویا و شنوا در رؤیایها و خوابهایش چشم به فرزند خویش داشته است» (همانجا).

محمد علی در توصیف شخصیتهای داستان، همه ویژگیهای ظاهری و روحی آنها را توصیف میکند. به عبارت دیگر، نویسنده در شخصیت پردازی، بیشتر از توصیف مستقیم استفاده میکند. این ویژگی تنها شامل توصیف افراد نمیشود، بلکه نویسنده امور مهم و حتی حوادثی را که در روند داستان اثر گذارند توصیف میکند: «آنهایتا دامن پرچین آبی خود را اندکی بالا گرفت. جلو آمد تا من گوشواره زرین چهار گوش و گردن‌بند هلال‌گونه- اش را بهتر ببینم. تاج زرین هشت‌گوشه‌ای میان سرش، با صد ستاره از جواهرات رنگارنگ میدرخشید. حسی زنانه به من میگفت آنهایتا آموزگار آموزگاران زنان است در راه زیبایی و آراستگی» (همان: ۱۱۶).

از آنجاکه داستان مشی و مشیانه محتوای اسطوره‌ای دارد، محمد علی به شخصیتهای اسطوره‌ای اهتمام بیشتری ورزیده و این نوع شخصیتها در داستان وی بسیار برجسته هستند. وی برای خلق شخصیتها و بازسازی اسطوره آفرینش انسان، به منابع ایران باستان و ایران میانه تکیه میکند. «مشی و مشیانه نخستین جفت بشر در تاریخ اساطیری ایران و از نطفه کیومرث هستند که پس از کشته شدن وی به دست اهریمن بر زمین ریخته میشود. هنگامی که از صورت ریواس، آرام آرام بشکل انسان درآمدند، جسمیت نیز در ناپیدایی خاص اهورایی به آنان داده شد... آن دو ریشه بر زمین نهاده، پای از خاک بیرون آوردند. لرزان و ترسان نخست هم را نگر بستند. لبهایشان جنبید، اما کلامی بیرون نیامد. آرزو داشتند بدانند کدام مشی‌اند و کدام مشیانه» (همان: ۸۸). محمد علی شخصیتهای سیاه و سفید می‌آفریند و شخصیتهای خیر را در برابر شخصیتهای شر قرار میدهد. شخصیت سیاه در این داستان، اهریمن و شخصیت سفید، اهوراست. جدال و تقابل میان شخصیتها از آغاز تا پایان داستان ادامه دارد. در اسطوره آفرینش آمده پس از آنکه اهورامزدا دست به آفرینش جهان مینوی و مادی زد، امشاسپندان و ایزدان و فروها پدید آمدند، اهریمن هم بیکار ننشست و دست به آفرینش جهان ابدی زد و در برابر ایزدان، دیوان را پدید آورد (عفی، ۱۳۷۴: ۵۲۲). اهریمن از آفرینش کیومرث ناراحت است و میدانند که او جانب نور را میگیرد. بنابراین سران دیوان، از جمله اپوش و سپینچکر به نزد او میروند و سعی میکنند با اهریمن علیه مزدا متحد گردند (محمدعلی، ۱۳۹۴: ۶۳). از اینجا تقابل اهورا و اهریمن آغاز میشود. اهریمن درصدد نابودی همه آفریده‌هاست. او

با ضرباتی سهمگین پوستهٔ روشنائی را میشکند. آب را به آفت شوری و بدمزگی می‌آمیزد. آفت حشرات و جانوران مودی چون کژدم و وزغ و سوسمار به زمین انداخت... و به گاو سفید و کیومرث نورانی حمله برد. او گاو را میکشد. اهورا به مقابله با اهریمن میپردازد و جان کیومرث را نجات میدهد. هرچند پس از چند سال جان کیومرث را میگیرد اما اهورا مشی و مشیانه را از کیومرث پدید می‌آورد تا اعمال اهورا را در زمین اجرا کنند و با یاری اهورا اهریمن را شکست دهند (همان: ۶۷). محمد علی سعی کرده شخصیت‌های اسطوره‌ای را با شخصیت‌های آفریدهٔ ذهن خود تلفیق کند تا شخصیت‌های جدیدی باشند که برای خواننده ملموس بنظر برسند.

ویژگی‌های سبکی در سطح فکری محمد محمد علی

توجه به جزئیات یک اثر از لحاظ زبانی و ادبی ذهن خواننده را به سمت‌وسوی اندیشهٔ حاکم بر آن سوق میدهد. سطح فکری آثار ادبی که از بطن متن برمی‌آید، چیزی جز نگاه خاص نویسنده به دنیای پیرامونش و دغدغهٔ او در مورد مشکلات اجتماع و انتقاد از آن نیست. ژیمونسکی (zhirmunsky) در تعریف خود از سبک، وحدت میان شکل و محتوا را در نظر دارد. «سبک نویسنده و هدفی که آن دارد، جدا از محتوا و عقیده و تصویراره‌ای که در پس آن است، کاری است ناممکن» (خراچنکو، ۱۳۶۴: ۹۷). بررسی سطح فکری این اثر از مجرای راوی داستان، پیوستگی روایت‌های آن، بهره‌گیری از مفاهیم و عناصر اسطوره‌ای و همچنین پرداختن به «زن» و موقعیت اثربخش و سازندهٔ او در فرایند داستان از مهمترین مؤلفه‌های سبکی این نویسنده است.

نقش راوی داستان در ایجاد سبک شخصی محمد علی

نویسنده در خارج از دنیای داستان زندگی میکند، درحالی‌که راوی مربوط به جهان داستان و حاصل تخیل نویسنده است. بهر حال شناخت راوی یعنی گوینده و منبع پیام در داستان بسیار اهمیت دارد. اگر راوی اول شخص باشد، داستانی را که روایت میکند، حوادثی است که او تجربه کرده است و روایت او «روایت تجربه‌های شخصی» است؛ از اینرو ضمیر اول شخص در این روایت، هم به راوی (من روایتگر) و هم به یکی از شخصیت‌های داستان (من تجربه‌گر) برمیگردد (استانز، ۱۹۸۱: ۱۶۰). در این داستان راوی اول شخص در جایگاه قهرمان میباشد؛ از اینرو حضور راوی در داستان مشی و مشیانه بسیار برجسته و پررنگ بنظر میرسد. چنانچه گفته شد، راوی اول شخص از سطح میانی داستان به سطح درونی آن حرکت میکند تا در این سطح، به حوادث و شخصیت‌های داستان نزدیکتر شود و توصیف دقیقتر و بهتری در اختیار مخاطب بگذارد. در این زمینه راوی اول شخص (مشیانه)، چنین کارکردی را از خود نشان میدهد. در واقع کارکردهای روایت اول شخص که ایجاد هیجان، فضای حسی، تعلیق و... است، در داستان وجود دارد. چون او به لایهٔ درونی داستان نفوذ کرده است.

روایتگر در این رمان تمرکز بسیار گسترده‌ای بر شخصیت‌ها و حوادث دارد. او در معرفی خود و مشی و مشیانه در این داستان نظم و ترتیب زمانی منسجمی را در پیش میگیرد. وی از همان آغاز رمان، خود و مشی همسرش را معرفی میکند. «مشیانه‌ام؛ همسر مشی، مادر تمامی پسران و دختران گیتی. مشی نیز پدر تمامی دختران و پسران گیتی است» (محمدعلی، ۱۳۹۴: ۱۱).

راوی پس از معرفی خود و جهان پیرامونش به آفرینش اولین انسان، کیومرث، باز می‌گردد و داستان را با زندگی او ادامه میدهد. مشیانه حتی ویژگی‌های ظاهری کیومرث را با جزئیات توصیف میکند. «در آب رودخانه نظر کرد. پانزده‌ساله‌ای مینمود، با موهایی انبوه و بسیار سیاه...» (همان: ۲۷). در جایی دیگر روایتگر به ویژگی‌های ظاهری

شخصیت اصلی مشی بعنوان عامل و محرکی قوی در پیشبرد داستان اهتمام میورزد. «پس، یکی چند موی نرم بر سر و سینه و ساق پای مشی جوانه زد» (همان: ۹۴).

باید متذکر شد که مشیانه راوی، همه‌چیزدان داستان است. راوی که میتواند به توصیف زمان و مکان، شناسایی و تعریف شخصیتها، خلاصه‌های زمانی، گزارش آنچه شخصیتها فکر نمیکنند یا نمیگویند و بیان اظهارات شخصی به سه شیوهٔ تعمیم، تفسیر، و قضاوت اشاره کند (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۱۳۰). مشیانه یاد میگیرد که کاسه‌ای چوبی بسازد. وقتی مشی از این کاسه آب میخورد به توانایی مشیانه شک میکند. مشیانه با خود میگوید: «اندکی بعد مشی میبنداشت ساختن این ابزارها از شگردهای اهریمن است برای اغفال من» (محمدعلی، ۱۳۹۴: ۱۳۰). مشیانه بعنوان راوی و یکی از شخصیتهای اصلی رمان، مدام حالات درونی خود و مشی را توصیف میکند و از افکار درونی مشی برای خواننده سخن میگوید.

انتخاب یک زن اسطوره‌ای بعنوان راوی داستان نیز، یکی از ویژگیهای این اثر است. شاید انتخاب راوی زن از سوی محمد علی، توجه راویان زن به جزئی‌نگر بودن آنان میباشد. از آنجاکه زنان به جزئیات بیشتر توجه میکنند، میتوانند لایه‌های درونی داستان را به مخاطب نشان دهند. این راوی جشن طبیعت را پس از نبرد اپوش دیو خشکسالی با تیشتر و در پی پیروزی تیشتر اینگونه با دقت و جزئی‌نگری فراوان بیان میکند: «گاو و گوسفندان فرتوت در آب رودخانه، غبار سالهای خشکسالی را از خود دور ساختند. درختان، برگهای سبز رویاندند، شکوفه کردند تا بار دیگر میوه دهند. زمین آشکارا نفس کشید تا گل‌های رنگارنگ خود را به ما عرضه کند. آبشارها بار دیگر سرازیر شدند، و در چشمه‌سارها آب گوارا روان گردید...» (همان: ۱۳۴).

میتوان گفت داستان «مشی و مشیانه» محمد علی به رمانهای پست‌مدرن شباهت بسیاری دارد. «نویسنده در داستانهای پست‌مدرن شخصیت‌های تاریخی، اسطوره‌ای و رخدادهای متنهای دیگر را در ساختار متن خود میگنجانند و به این ترتیب امکانی خلق میکند تا شخصیتها یا رخدادهای دنیایی تخیلی به دنیای تازه‌ای انتقال پیدا کنند» (بی‌نیاز، ۱۳۹۳: ۲۰۷). از سویی دیگر حضور پررنگ راوی و یادآوری مداوم وی مبنی بر آنکه در داستان وجود دارد (نیکوبخت و رامین‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۶۸)، از ویژگیهای مشترک رمان مشی و مشیانه با رمانهای پست‌مدرن است.

پیوستگی در داستانهای محمد علی؛ یکی دیگر از ویژگیهای سبکی

محمد علی سه‌گانهٔ *روز اول عشق* را در سه کتاب *آدم و حوا*، *مشی و مشیانه*، و *جمشید و جمک* به رشتهٔ تحریر درآورده است. کتاب «مشی و مشیانه» دومین کتاب سه‌گانهٔ *روز اول عشق* است. داستان آفرینش نخستین زن و مرد را در اسطوره‌های ایرانی باز میگوید. محمد علی این کتاب را در ادامهٔ داستان آدم و حوا نوشته است. هر دو کتاب به اسطورهٔ آفرینش میپردازند. قالب و محتوای هر سه بسیار نزدیک بهم و یکسان میباشد، با این تفاوت که کتاب «آدم و حوا» در متون اسلامی آورده شده، ولی کتاب «مشی و مشیانه» داستان آفرینش نخستین زن و مرد را در اسطوره‌های ایرانی بازگو میکند. کتاب «مشی و مشیانه» خود مقدمه‌ای برای شروع داستان «جمشید و جمک» است. جمشید، پادشاه افسانه‌ای هند و ایران، از نوادگان مشی و مشیانه است. نویسنده سعی کرده زبان هر سه رمان را بشکل یکسانی درآورد؛ از اینرو هر سه کتاب بسیار بهم نزدیک، در امتداد هم و بهم پیوسته‌اند و هر سه با هم سه‌گانه‌ای را تشکیل داده‌اند؛ بطوریکه خواننده با خواندن هر جلد از داستان به خواندن داستان بعدی ترغیب میشود. در هر سه داستان، زنان، راوی و شخصیت اصلی داستان میشوند و نقش زنانی که تاکنون بچشم نیامده‌اند، آشکار میگردد.

ترکیب اسطوره و تاریخ؛ سبکی نو در داستان‌پردازی

موضوع اصلی این رمان روایتی اسطوره‌ای است که دربارهٔ انسانهای نخستین سخن به میان آورده است. بطور معمول اسطوره، موجود یا حادثه‌ای است که به قدرتهای خارق‌العاده ارتباط دارد. داستانهای اسطوره‌ای تفسیری برای پدیده‌های دینی یا مافوق طبیعی مانند خدایان یا قهرمانان ارائه میدهد (جیده، ۲۰۱۰: ۱۰۵). در اسطوره‌شناسی اسطوره‌های یک ملت مورد بررسی قرار میگیرد. «اسطوره‌شناسی مختص زمان گذشته نیست. اسطوره در آثار ادبی دوره‌های گوناگون بچشم میخورند تا آنجا که در آثار ادبی پدیدآمده در دورهٔ معاصر میتوان ادامهٔ حیات اسطوره‌های پیشین را، که دستمایهٔ کار نویسندگان و شاعران قرار گرفته است، مشاهده کرد» (اسماعیل پور، ۱۳۸۲: ۴). در رمانهای اسطوره‌ای، نویسنده قادر است با توجه به تحقیقات انجام‌شده توسط اسطوره‌شناسان و پژوهشگران، رازهای سرمهر و سمبلها و استعاره‌ها و کنایه‌ها و زبان رمزگونهٔ خدایان و اهریمنان و شیاطین در متون کهن را بتصویر بکشد و به خوانندگان امکان دهد هرآنچه را که در پرده بوده و درباره‌اش سکوت شده است، یک بار دیگر کشف و رونمایی کند. در این نوع ادبی، با تفسیر پیام رمزی یا رمزگونهٔ اسطوره، عناصر دوام‌پذیر فرهنگها و آداب و حتی ادبیات فولکلور هر منطقه، و هر اقلیم بازسازی شده و زنده میماند.

محمد علی نیز توجه فراوانی به احساسات ملی‌گرایانه دارد و سعی دارد با استفاده از قالب رمان این اسطوره‌ها را بین مردم جامعه رواج دهد. در نوشتن این رمان ضمن حفظ عناصر داستان، به استفاده از بنمایه‌ها و ابزارهایی همچون اسطوره، خواب و رؤیا، عشق و شعر روی آورده است. او در قالب داستان‌پایش، بویژه «مشی و مشیانه»، اسطوره‌های ایرانی را بتصویر میکشد. او سعی میکند برای کسب هویت ملی و پیوند گذشته به زمان حال، نیاز به احیای اسطوره را بعنوان زیربنای محتوایی هر اندیشه و هنری یادآوری کند و خود در این راه گامهای بلندی برمیدارد. رنج و تنهایی و آغاز شروع خلقت انسان از موضوعاتی است که در زمینهٔ نگارش آثار اسطوره‌ای خود بدان توجه ویژه‌ای کرده است. نویسنده در رمان مشی و مشیانه از اطلاعات تاریخی، اسطوره‌ای و تخیلی خود مدد گرفته و این آثار را بوجود آورده است؛ بنابراین این رمان آمیزه‌ای از رمان تاریخی و تخیلی است.

جایگاه متفاوت زن در «مشی و مشیانه»

محمد علی در بیشتر داستانهای خود بویژه مشی و مشیانه بر آن است تا شخصیت زن را برجسته کند و او را بعنوان شخصیت اصلی داستان نشان دهد. زنان در داستانهای وی نقش‌آفرینی مهمی دارند. زنان فعالی که نقشی مثبت در خانواده و محیط پیرامون خود ایفا میکنند. بیشتر زنان داستانهای محمد علی بطور همزمان چند نقش برعهده دارند؛ برای نمونه آغازگر عشق، یاری‌رسان مرد و مادری مهربان هستند و در خانواده و محیط پیرامونش تقریباً موفق میباشند. آنها برخلاف داستانهای سنتی، هیچ‌گاه دست‌نیافتنی نیستند که عاشق بدنبال آنان رنج و سختیهای فراوان تحمل کند. هرچند محمد علی در فصل اول داستان، کیومرث را تنها و بدون جفت قرار میدهد، اما مدام از احساس نیاز کیومرث به داشتن همسر سخن میگوید. کیومرث آرزوی داشتن زن و فرزند دارد و از خود میپرسد: «چگونه بود که آن سرنوشت‌ساز بزرگ، نام جفت مرا نگفت؟ حال آنکه من در خواب و رؤیا زنی خوش‌چهره و خوش‌اندام دیدم...» (محمدعلی، ۱۳۹۴: ۳۶). کیومرث گاهی از تنهایی شکوه میکند. «هورا چه نیازی دارد مرا سی سال در این زمین سراسر شگفتی زاء، بی‌یار و همسر رها کند» (همان: ۴۱).

زن در این داستان نقش اصلی دارد اما مرد به‌تنهایی نقش محوری ندارد. گویی که حضور و وجود مردان بدون زنان امکان ندارد. محمد علی شخصیت مشیانه را از قالب زنهای کلیشه‌ای و سنتی خارج کرده و از همان آغاز

داستان به وی شخصیتی فعال و منحصر بفرد بخشیده است. او همه چیزهای خوب را در زن میبیند؛ بنابراین ویژگیهای خوب طبیعت را از زبان مشیانه به زن نسبت میدهد. «می‌اندیشیدم آب شور دریا مرد است و آب شیرین رودخانه زن» (همان: ۱۶۳).

در این داستان اسطوره‌ای، عاشق و معشوق در کنار هم آفریده میشوند و برای بهم رسیدن سختی زیادی تحمل نمیکنند. «شاخه‌های ریواس قد کشید و اندک‌اندک، اندامهایی بشکل تن بر تنه سفید و سبزش بچشم آمد. بگونه‌ای که پنداری یکی از شاخه‌ها بر گوش ریواس دیگر بود، و انگشتان یکی بر دهان آن یکی تا مبدا سخنی بگوید. پیدا نبود که کدام نر و کدام ماده‌اند، و کدام یک گوهری برتر از دیگری با خود دارند» (همان: ۸۷). مشیانه نماد اولین زن در روی زمین است؛ زنی که مدام به کشف اشیاء و حیوانات میپردازد. مشیانه هیچگاه در حاشیه داستان قرار نمیگیرد و همیشه در مرکز داستان نقش آفرینی میکند. او از تواناییهای خود آگاه است و از همان آغاز داستان زمام امور را در دست میگیرد و گاهی خود بتنهایی در حرف زدن با اهورا پیشقدم میشود و با احترام و سخنانی نیکو با اهورا حرف میزند و از او میپرسد: «ای خوش‌آوای بلبل زبان، اکنون وظیفه ما چیست؟» (همان: ۱۲۶). زمانی که اهورا پاسخ مشیانه را میدهد، او بسیار منطقی از اهورا درباره اینکه چه بخورند و چه بیاشامند، میپرسد (همانجا). با اینکه مشیانه از انسانهای اولیه است، اما نمونه‌ای از زنان مستقل است. حتی در جاهایی که مشی نقشی منفعل دارد، او به اداره امور میپردازد.

مشیانه از آغاز داستان، زنی با اتکا به نفس است که در طی داستان، استقلال فکری، اخلاقی و رفتاری خود را حفظ میکند و به مشی وابسته نیست. مشیانه تلاش میکند بر پاهای خود بایستد و تمامی مشکلاتشان را یکایک حل کند. روزی که به اندام درشت مشی مینگرد، با خود میندیشد که مشی از او قویتر است و شاید در دعوا کردن با او پیروز نگردد اما میتواند تواناییهای خود را در جاهای دیگر بکار بندد (همان: ۱۳۱). مشیانه برای جبران ضعف بدنی خود در برابر مشی مدام در تلاش است تا توانایی خود را در جاهای دیگر اثبات کند. او با خود میگوید: «هنگامی که کاسه و بشقاب و پیاله و چمچه‌ای میساختم یا از پوست خزندگان و لیاف درختان جامه‌ای نو پدید می‌آوردم، ناتوانی خود را فراموش میکردم و باز...» (همان: ۱۳۴).

مشیانه از مرکز قدرت دور نیست و هیچگاه در حاشیه قرار نمیگیرد. شخصیتی پویا که نقشی مؤثر در پیشبرد حوادث داستان دارد. نکته مهمتر این است که عملکرد و رفتار مشیانه بر شخصیت مشی و تصمیم‌گیریهایی او تأثیر چشمگیری دارد. زمانی که مشی و مشیانه با هم دعوا میکنند و کاستیهای خود را به اهورا نسبت میدهند. اهورا به آنها میگوید: برای ستایش کردن من ارزشمندترین چیز را بدهید. مشی شیر بز را پیشنهاد میدهد اما مشیانه شیر پرچربی گاو را میگوید و مشی با نظر او موافقت میکند. آنگاه مشیانه کاسه شیر گاو را برای اهورا بسمت آسمان پرتاب میکند (همان: ۱۳۸).

این ویژگی و نقطه مثبت قلم محمد علی نسبت به نویسندگان هم‌دوره خود است که زنی با ویژگیهای مثبت می‌آفریند و هیچگاه زنی ضعیف، منفور و منفی در داستان نمیگنجد. او از همان آغاز، مردسالاری را کنار میزند و در این حرکت سنت‌شکنانه، زمام امور را به زنان میسپارد و حتی راوی خود را زن قرار میدهد تا از دریچه و دیدگاه زن به حوادث داستان بنگرد. از سوی دیگر، اعتقادات، احساسات و دیدگاه مشی را بطور کامل بیان میکند. مشیانه در طی داستان در برابر مشکلات صبور است و احساس ضعف و ناتوانی نمیکند. مشی وقتی وضعیت زمین و آسمان و خوراکش را میبیند، بسیار ناامید میشود و به مشیانه صفات ضعیفی نسبت میدهد و میگوید: «چرا تن من و این زن ناتوان را روانه این سرزمین پهناور و به قول خودت مقدس کرده‌ای و روان ما را می‌آزاری؟ من و این

زن مفلوک چه گناهی کرده‌ایم که هر روز بلایی نازل میکنی؟!... چرا از پس رقابتها با اهریمن فریبکار، من و این زن شوربخت را دستاويز جنگ آشکار و صلح پنهان خود میکنی» (همان: ۱۴۶). اما مشیانه که زنی جسور و بیباک است به این نوع صحبت کردن مشی واکنش نشان میدهد و با طعنه به مشی میگوید: «ای مشی دریادل و جسور که یکباره طغیان میکنی! آفرین بر خطابه تو، اما من ناتوان و مفلوک و شوربخت نیستم، و به تو اجازه نمیدهم هرچه از دهان گشادت بیرون می‌آید بر زبان آوری. تنها در باب خشکسالی فریاد کن و اشک بریز» (همانجا).

ویژگیهای سبکی در سطح زبانی محمد محمد علی

انسان موجودی است اجتماعی و نیازمند ایجاد پیوند میان خود و دیگران و زبان کاراترین ابزار پیوند اجتماعی انسانهاست. گذشته از نقش ارتباطی، زبان نقشهای دیگری نظیر نقش عاطفی، ابزار تفکر منطقی بودن و زیبایی‌آفرینی را ایفا میکند (عقدایی، ۱۳۸۱: ۸). با توجه به اینکه انتقال پیام در ارتباط زبانی معمولاً در قالب جمله صورت میگیرد، جمله نیز از اجزای کوچکتری به نام واژه ساخته شده است، سبک‌شناسی نثر دقت بر انواع واژه‌ها دارد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۷۴). ازاینرو بررسی ویژگیهای زبانی در تعیین سبک شخصی نویسنده بسیار راهگشاست. بگونه‌ای که حتی میتوان این عمل را سبک‌شناسی واژه نامید. بررسی زبانی متن مقوله‌ای بسیار گسترده است و خود شامل سه سطح آوایی، لغوی و نحوی خواهد بود (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۵۳). به سطح آوایی میتوان سطح موسیقایی متن نیز گفت؛ زیرا در این مرحله، متن بلحاظ موسیقی بررسی میشود (همان: ۲۱۶).

زبان اسطوره، زبانی پرابهت و گسترده است اما زبان رمان بیشتر به زبان کوچه و بازار نزدیک است تا افراد جامعه آن را براحتی مطالعه کنند و برای درک آن نیازی به فرهنگ لغت و شناخت لغات کهن و قدیمی نداشته باشد. حال آنکه درباره اسطوره باید گفت گذشته از دشواری زبان کهن و فراوانی لغات مهجور «زبان اسطوره سمبلیک است» (فروم، ۱۳۸۰: ۳۱). محمد محمد علی بجز بهره‌گیری از زبانی که میان نثر کتابهای مقدس و نثر ساده امروز قرار دارد، همچنان بر روایت بیش از دیگر عناصر داستانی تأکید دارد؛ مسئله‌ای که سالهاست از اصول داستان‌نویسی او بشمار میرود و میتواند در عین آنکه به آثار او تشخیص میبخشد، او را در پذیرش برخی شیوه‌های ادبی دچار مشکل سازد. استفاده از زبان سنتی کتابهای منبع و تلفیق آن با زبان محاوره و نیز درج پانویشت و پی‌نوشت از دیگر خصوصیات این رمانهاست. محمد علی در این رمان، زبان اسطوره را به زبان محاوره و گاهی به زبان کوچه و بازار نزدیک میکند. ویژگیهای زبانی بکاررفته در آثار محمد محمد علی و نحوه کاربرد این ویژگیها آثار وی را صاحب‌سبک کرده و از دیگر آثار داستانی نویسندگان متمایز نموده است. در بررسی ساختار زبانی متن مشی و مشیانه، عنصرهای زیر برجستگیهای فراوانی دارند.

استفاده از کلمات عربی: برخلاف آنچه خواننده متن از داستان (مشی و مشیانه) بعنوان یک متن اسطوره‌ای انتظار دارد، استفاده از کلمات عربی، یکی از هنجارشکنیهایی است که محمد علی در نگارش داستان از آن بهره برده است. از جمله کلمات عربی بکاررفته در این متن عبارتند از:

ندا آمد: «برای نزول باران دعا کنید و حاجت بخواهید» (مشی و مشیانه، محمدعلی: ص ۱۴۷).

«کیومرث از پس آسودگی روان محتلم شد» (همان: ۸۴).

«هستی برای آنان سیال و پرتلاطم بود» (همان: ۸۸).

«آن مقدمه از دیاد شماست» (همان: ۹۶).

«آیا پیوند و اسکان ما دو تن در رؤیاهای تو هنوز پابرجاست» (همان: ۱۰۷).

فرمود: «سرودی مقدس میخوانم. اهریمن ثلث، اول آن را بشنود خمیده، با خواندن ثلث دوم از فرط ناتوانی به زانو افتاده، و چون ثلث آخر سرودم را بشنود» (همان: ۱۷).
 «جمع مکسر ارواح آدمیان به صف شدند» (همان: ۱۲).
 «همان زنی هستیم که میباید شاهد دفن شدن تدریجی خود در زیر امواج تهمت‌ها باشیم. دفن ما بطئی، اما حتمی است» (همان: ۲۱۲).

استفاده از افعال پیشوندی: محمدعلی با استفاده از افعال پیشوندی بعنوان ابزارهایی برای قدمت بخشیدن به نثر داستان، فضای طبیعیت‌ری را بنمایش گذاشته است:

«تا اهورامزدا نیز راز آفرینش جهان مینو و گیتی را برای او بازگوید» (همان: ۱۵).

«اهورامزدا، روان آدمیان را به تمامی فراخواند» (همان: ۱۹).

«آیا زمان آن فرانسیده، تا آتشی بیفروزی؟» (همان: ۱۰۷)

سخنان محاوره: محمدعلی در بیشتر آثار خود از جمله رمان مشی و مشیانه از زبان محاوره یا شکسته استفاده میکند. استفاده از سخنان محاوره‌ای و عامیانه توسط شخصیت‌های اسطوره‌ای و باستانی یکی از سنت‌شکنیهاییست که در متن داستان دیده میشود:

«پس برف فراوانی کپه کردیم» (همان: ۱۰۵).

«پس شایسته نیست آنانی که در کار زن و فرزند و خان و مان خود درمانده‌اند» (همان: ۲۱۴).

«سپس جُل پلاس و گاو و گوسفند و مرغ و خروسی به آنان هدیه میدادیم» (همان: ۲۱۰).

«شکمیهٔ آنان را زیر دو نهال نوس چال کردیم» (همان: ۲۰۳).

کاربرد توأمان فعل منفی و مثبت: یکی از ویژگی‌های بارز سبک‌شناسی محمد علی در زمینهٔ استفاده لغات، کاربرد فعلها بصورت متضاد در متن است. وی با این کاربرد نوعی سبک و نوآوری در متن اثر خود ایجاد میکند:

«گاو هم زبان نداشت تا بگوید میداند یا نمیداند» (همان: ۲۸).

«در فرازی از خواب او را میدید و نمیدید» (همان: ۴۸).

«او جوید نجوید آنچه در دهان داشت یکباره میلیعد» (همان: ۹۷).

«چه به مردن خود وفادار باشیم چه نباشیم» (همان: ۲۱۱).

نقل قول از منابع: محمد علی از منابع به شکلهای گوناگونی استفاده کرده است: الف) گاهی مطالب برگرفته از منبع مورد مطالعه بصورت مستقیم در متن رمان آمده است. ب) گاهی مطالب با اندک اختلاف و جایجایی در کلمات و جملات در رمان نقل شده است. ج) در بخشهایی از رمان نیز گرچه بنمایه‌های روایت در منبع و رمان یکسان است، نحوهٔ بیان نویسنده تفاوت دارد.

محمد علی برخی جملات را با تغییر اندکی نقل میکند. «از سر سرب، از خون، ارزیز، و از مغز سیم، از پای آهن، از استخوان روی و از پیه، آبگینه و از بازو پولاد، از جان رفتنی زر به پیدایی آمد که اکنون بسبب ارزشمندی (زر، آن را) مردمان با جان بدهند (بهار، ۱۳۷۶: ۱۷۶). مانند این جمله‌ها را محمد علی در رمان آورده است: «ناگاه از سرش سرب، از خونس قلع، از مغزش سیم، از پاهایش آهن، از استخوانهایش روی، از پیه‌اش آبگینه، از بازوانش پولاد، از جان یا روانش زر به پیدایی آمد. زری که در نزد زنان و مردان آینده بسیار بسیار ارزشمند میبود و مردمان بسیاری برای کسب آن جان میدادند» (محمدعلی، ۱۳۹۴: ۸۴).

واژه‌سازی: محمد علی از زبان شخصیتها به ریشه‌یابی برخی کلمات می‌پردازد؛ هرچند این کار مطابق با اصول علمی زبان‌شناسی نیست.

«سنگ کارساز خود را «چماق در مشتم» نامیدم و با یاد اهورا بر پشت و شکم وزغ فرود آوردم» (همان: ۹۹).
 «پس به آب نه چندان بزرگی رسیدیم، من نامش را گذاشتم تالاب. چرا و چگونه؟ اینگونه که یکباره افتادم توی آن و صدای تالاب برخاست» (همان: ۱۰۳).

گفت: «نام این چهارپا را چه بگذاریم؟» گفتم: «هنگام چشیدن شیرش از دهانم صدای بزبز می‌آمد» (همان: ۱۰۳).
 «تام آن چوب سرپهن را «مارزن» گذاشتم» (همان: ۲۰۴).
 «نام برخی از نوادگانم را آتشیپاره میخواندم» (همان: ۲۰۸).

ویژگیهای سبکی در سطح نحوی رمان مشی و مشیانه

سطح نحوی یکی از دلایل سبک‌ساز است. محمد علی در آثارش بگونه‌ای سبک ادبی را بکار گرفته است که شاهد نوعی دگردیسی در این سطح هستیم. وی با بکارگیری جملات به شیوه خاص، حذف فعل و بخشی از جمله، استفاده از کلمات مترادف، استفاده دیگرگونه از حروف و موارد دیگر توانسته سبک ادبی خاص خود را بیافریند. به چند مورد از این ویژگیها اشاره میکنیم:

معطوف (تکرار حرف عطف): محمد علی در آثار خود بویژه در رمان مشی و مشیانه، چند واژه را بصورت معطوف می‌آورد. نکته‌ای که از لحاظ نحوی، میتواند سبک‌ساز باشد.

«کیومرث رفت و بر تخته سنگی، خروسی و مرغی و ماری نیز نقش زد» (همان: ۴۴).

«من کیومرث به ظاهر بینا و شنوا و گویا و آن گاو جنگجو را چنان آسیب میزنم» (همان: ۶۵).

«جلو دروغ و خشم و آز را بگیرد» (همان: ۲۵).

«سرزمینی که اکنون پر از مار و مور و ملخ و حشرات موذی بود» (همان: ۱۴۳).

تتابع اضافات

«مطمئن بودم سپهرنشینان جهان مینو سخنان ما را شنیده‌اند» (همان: ۱۰۸).

«من اکنون با حسی تازه، طراوت تن خویش را به تو میدهم» (همان: ۱۷۳).

«من نیز در میان درختان شاخه شکسته پیرامون غار، قطعه چوبی به طول و عرض یک وجب یافتم» (همان: ۱۳۰).

مقدم شدن فعل

«آنچه پیداست مظلوم‌نمایی پیروان آن مزدای حق بجانب است مقابل اهریمن» (همان: ۴۹).

«تا فرمان و روشی باشد برای آیندگان» (همان: ۶۱).

«در رودخانه مردی میانسال را دید با موهایی بسیار سفید» (همان: ۶۲).

«آیا اهورامزدا سرنوشت من و این گاو را واگذاشته به ایزدی ناشناخته» (همان: ۲۴).

«شکافی پدید آمد در عقایدش» (همان: ۲۵).

«لبانم را نشان دادم که ترک خورده بود از بی‌آبی و بی‌غذایی» (همان: ۱۱۰).

حذف فعل: یکی از ویژگیهای نحوی آثار محمد علی، حذف فعل یا بخشی از جمله با قرینه یا بدون قرینه در متن است و این مخاطب است که باید با ذهن پویا و تیزبین خود قرینه معنوی در جمله را بیابد:
 «تو منفعت من هستی و آنان حافظان تو» (همان: ۴۵).

«همچنین تغییر چهره و تبدیل موهای سیاه سیاه کیومرث به سفید سفید» (همان: ۹۵).
«آیا تو نیز چون من رضایی به رضای او؟» (همان: ۱۵۰).

استفاده از کلمات «پس» و «هم»

«پس، یکی چند موی نرم بر سر و سینه و ساق مشی جوانه زد» (همان: ۹۳).
«پس، گوش خوابانندیم تا از جهان مینو یا آسمان صدایی برخیزد که برخاست» (همان: ۹۵).
«شادپها کردیم از پس به دنیا آمدن آنان» (همان: ۲۰۳).
«پس از سرما، گرما و خشکسالی پدید آمد» (همان: ۱۶۵).
«انسان عادی نه ایزد است نه حیوان، انسان، انسان غیرعادی هم ایزد است هم حیوان» (همان: ۲۱۶).
«آن حد به هم پرداختیم که ندانستیم چه هنگام خورشید به وسط آسمان آمد» (همان: ۱۲۶).
«زبان مشترک تمامی فرزندانم که در سراسر گیتی پراکنده‌اند، نخست گرسنگی پس تشنگی و سپس خواب است» (همان: ۲۱۹).

استفاده از کلمات باستانی: از آنجاکه نوشته‌های محمدعلی بر پایه اسطوره‌های ایرانیان است، کلمات و اصطلاحات

مرتبط با دین زرتشت در آنها بسامد بالایی دارد.
«مردم بدانند اکنون جهان را برای کارزاری سه‌هزارساله با اهریمن آماده ساخته‌ام» (همان: ۲۰).
«روان کیومرث گفت: ای دادار پاک رنگین» (همان: ۵۱).
«اقتدار سگ زرینگوش است تا بر -پل چینود- بایستد» (همان: ۲۱).
«دوم چیز -آتش آذرگشسب- است» (همان: ۲۲).
«تا آن خورشیدگردان بگوید» (همان: ۱۲).
«رودخانه دایی تی ایرانویج نام میگرفت» (همان: ۵۹).
استفاده از کلمات مترادف: استفاده از کلمات مترادف یکی از ویژگی‌هایی است که در این کتاب دیده میشود:
«هنوز گیتی سراسر نور و روشنایی است» (همان: ۱۷).
«بهرورزی و شادکامی را برای بزرگواران به ارمغان ببر» (همان: ۲۵).
«در نزد آن قاضی بلندپایه، میزان نیک‌اندیشی و نیک‌رفتاری هریک از آدمیان جداگانه محاسبه و تمییز داده میشود» (همان: ۷۶).

«کیومرث از ناله‌های بی‌امان او به فغان آمد» (همان: ۲۵).

«بسیار تیره و سیاه بود» (همان: ۱۴۲).

«شما مردمانید، جزو ایزدان و دیوان نیستید که تا روز رستاخیز پیر و فرتوت نشوید» (همان: ۱۳۷).

«تاگهان بین ما رشک و حسد پدیدار شد» (همان: ۱۳۷).

«چرا ما را نسبت به خود مردد و دودل میکنی؟» (همان: ۱۴۵).

آوردن چند صفت برای یک موصوف

«همچنین آرام آرام آموخت به غارهای تاریک و نمور که میرسد» (همان: ۳۵).

«خود را به یک کرشمه زنان خوشچهره و خوش‌اندام میفروشد» (همان: ۶۴).

«من کیومرث به ظاهر بی‌نا و شنوا و گویا و آن گاو جنگجو را چنان آسیب میزنم» (همان: ۶۴).

ویژگی‌های سبکی در سطح ادبی مشی و مشیانه

هدف اصلی سبک‌شناسی در سطح ادبی، توجه به بسامد لغاتی است که در معنای ثانویه خود بکار رفته است و همچنین نشان‌دهنده کارکردهای فرازبانی متن است. در این سطح شعر و مسائل بیانی از قبیل تشبیه، استعاره کنایه، وصف و مسائل بدیعی سجع، جناس و اطناب و بطور کلی زبان ادبی اثر و خلاقیت نویسنده در بکارگیری زبان بررسی میشود.

کاربرد شعر: بکارگیری شعر در متن داستان، زیبایی خاصی به آن بخشیده است. شعرهای این رمان چندان زیاد نیستند و بیشتر در قالب شعر نو سروده شده‌اند. محمد علی بسیار روان شعر میگوید. در سروده‌هایش هیچ سختی و پیچیدگی در مفهوم و چینش الفاظ نمی‌یابیم و همین ویژگی، شعر او را به زبان عادی نزدیک میکند. در این اشعار جناس، تضاد، سجع و تکرار کلمات دیده میشود. در فصل اول کتاب، کیومرث -انسان نخستین- دو قطعه شعر در هنگام مرگ میسرآید. او هنوز زنده است و به فکر فرزندان و نسل آینده خود میباشد. میداند عمرش بسر آمده، از فراق گاوش بسیار اندوهگین است و به یاد روزهای خوش با گاوش روی سنگ مینویسد:

نام دادم گاو یکتا آفریده (را) ایواک / با شاخ و شکم همیشه تهی / نشخوار کرد (هر دم) علف / نیرو گرفت از آفتاب
 پرنور / جنگید با پلنگ تیزدندان / اهورا او را داد به من / شب با ماه خفتیم، صبح با خورشید برخاستیم / با آفتاب
 سوزان با برف فراوان جنگیدیم / صبح درود فرستادیم به اهورا دشمن اهریمن / تا آیندگان نیز درود فرستند به اهورا دشمن اهریمن (همان: ۸۰).

زمانی که کیومرث غمگین است و جسمش در حال تجزیه شدن میباشد، او این شعر را میسرآید:
 آن چرا بایسته گفت آن که / مردمان تا جاودان زمان زنده نمانند / پس نعمت خواندن بایسته‌تر تا / آن چرا که
 گذشت فراموش نکنند / و آن چرا که نیامده است با آنچه گذشته درآمیزند / و بنیادی محکم برای آیندگان سازند
 (همان: ۸۵).

محمدعلی این سروده را به سبک اشعار فردوسی در *شاهنامه* آورده است. و از جمله «آنچه را بایسته گفت» بهره برده است. در فصل دوم، شعرهایی که آمده مضمونی متفاوت از شعرهای کیومرث دارد که به مفاهیم اخلاقی نزدیکتر است. آن هنگام که مشی و مشیانه سنگ نوشته کیومرث را میخوانند، این قطعه را روی آن میبینند:
 «به نیکی...؟ / که کاملتر؟ آن که داناتر / که داناتر؟ آن که به فرجام تن داناتر / که به فرجام تن داناتر؟ آن که روان
 خود را سوق دهد سوی صبوری» (همان: ۹۴).

در این شعر صنایع بدیعی از جمله تکرار، سجع و جناس میبینیم. و دیگری سروده‌ای است که مشیانه با نواختن نی هفت بند آن را گفته است. او شعر خود را اینگونه آغاز میکند:
 «در این نزدیکی دریایی است / در این دریا، گاوآبی میچرند / شبها از دریا بیرون می‌آیند / هر گاوی گوهری در
 دهان میگیرد چون ستاره / به روشنایی آن گوهر چرا میکند بر زمین» (همان: ۸۰).

ب- ظرافتهای بیانی

ایجاز در جمله‌ها: محمد علی در آثارش از جمله‌های کوتاه و پشت‌سرهم استفاده میکند و شاهد نوعی پویایی در نثر وی هستیم:

«هیچ پاسخی نیامد. من و مشی نخست رنجیدیم، پس خندیدیم. چه میپنداشتیم، چنانچه اهورا تا روز رستاخیز هم می‌ایستاد. پرسشهای من تمامی نداشت» (همان: ۱۴۹).

«نخست مشی جگر را به دندان کشید و جوید، پاره‌ای نیز به من داد که دل آشوبه گرفتم. مشی نیز اندکی بعد پس نشست» (همان: ۱۲۰).

تکرار: تکرار برخی اسمها، فعلها و حروف در متن داستان، با نوعی تأکید همراه است:

«روان کیومرث گفت: میبینم! آری میبینم» (همان: ۱۶).

«پس هر دو را در صبحی بسیار بسیار روشن، در میان شادی ایزدان به مرکز زمین فرستاد» (همان: ۲۳).

«هنگامی که چهره اهریمن را نزدیک نزدیک دید تکان خورد... گوشه‌های دراز و بینی بزرگ بزرگ... سری بی‌موی بی مو و چانه‌ای پرریش...» (همان: ۷۰).

«من نخستین انسان و نخستین پادشاه زمین هنوز زنده‌ام» (همان: ۷۰).

«آن سه ماه بهار نیز، آب سرد، زمین سرد، گیاه سرد، و از همه مهمتر جسم و جان ما نیز بسیار سرد بود» (همان: ۱۶۵).

«حشرات موذی بسیار بسیار گردید» (همان: ۱۶۵).

«درختان خشکید، چشمه‌ها خشکید» (همانجا).

تشبیه: میزان استفاده از تشبیه در طول این داستان گسترده است و هدف استفاده از آن، تجسم بخشیدن به پندار خواننده و عمق بخشیدن به احساسات وی در مورد شخصیتها و حوادث داستان است. بیشتر تشبیهات بکاررفته در کتاب از نوع تشبیه حسی به حسی میباشند. «مانند نسیمی در گذر، موهای بلند خورشیدگونش را از صورتش پس زد» (همان: ۳۱).

«اهریمن بزرگ... تن وزغمانندش را بشکل جوانی بلندبالا و پانزده‌ساله به جهی داد تا هر طور که مایل است» (همان: ۶۵).

«اهریمن چون مگسی بزرگ به پرواز درآمد» (همان: ۶۸).

«ماری اژدهاوش بسرعت از کنار کیومرث گذشت» (همان: ۵۶).

«زمین بسیار داغ و آسمان به رنگ سیاهی دیو دو سر کیومرث چرخید» (همان: ۵۰).

«آیا هنگامی که گنبد آسمان را از جوهری سخت چون فولاد گذاخته، حصار عالم کردی» (همان: ۲۹).

«زن لیخندی زد و او را بسوی خود خواند. مانند ماه که در جذبی مهارناپذیر آب دریا را به سوی خود میکشاند» (همان: ۳۹).

ج: ظرافتهای بدیعی

علاوه بر استفاده نویسنده از شعر و ظرافتهای بیانی، گستردگی صنایع بدیعی در تمام متن بچشم میخورد:

جناس

«سرشت و سرنوشتی که آن گاو زبان بسته پیشتر از من دانست» (همان: ۵۵).

«در این اندیشه بودم که چرا سیروسفر کیومرث از جنگل آغاز شد» (همان: ۹۸).

«بار دیگر در سکوت و سکونی فراگیر فرورفت» (همان: ۱۰۶).

«اما در انتهای زاری و نزاری ناگهان در دامنه کوهی، دشتی پر از کپه‌های خاک پدیدار شد» (همان: ۱۰۹).

«با آن رازونیز شبانه قدرتی تازه یافته‌ام» (همان: ۱۰۸).

«آیا از تمامی این سرزمین پهناور، غاری کم‌نور و نور نصیب بهترین موجودات زمین میشود؟» (همان: ۱۳۳).

سجع

«همراه گفتار نیک، پندار نیک و رفتار نیک را توصیه میکند» (همان: ۸۹).
«از سروری و سالاری لشگریان خود سرباز میزنی؟» (همان: ۸۰).
«ترسان و لرزان دروازه جهنم را گشود» (همان: ۵۱).
اهریمن گفت: «از من و مردانی پدید می‌آیند که با نیکی و راستی خود، زمین را از زشتیها و پلیدیها تو و لشگریان تو پاک میسازند» (همان: ۷۰).

تضاد و مقابله

«میپنداشت که اثر انگشت روی سنگ میماند که نماند» (همان: ۲۷).
«روزان و شبانی چند که راه پیمود» (همان: ۳۲).
«با دیدن قندیل‌های کوچک و بزرگ در شگفت ماند» (همان: ۳۵).
«ماری سیاه سفید گریخت» (همان: ۴۳).
«از درون و برون میلرزید» (همان: ۵۳).
«اهریمن دانست که فرزندان کیومرث نیز در جدال بین نور و ظلمت، جانب نور را میگیرند» (همان: ۶۳).
«گرچه شنیده‌ام خود پای پیاده در گرمای طاقتفرسا و سرمای استخوانسوز، گرد جهان میگردی» (همان: ۴۹).
«فرزند نام معنای خوش‌اقبالی، بداقبالی، بیماری و سلامتی را میدانند» (همان: ۲۲۰).
«شب با ماه خفتیم، صبح با خورشید برخاستیم» (همان: ۸۰).

مراعات نظیر

«بی‌توجه به وظیفه خود، یا نگاه به چرخش ماه و خورشید و دیگر ستارگان، شبان و روزان، تنها در این اندیشه بودیم» (همان: ۹۴).
«او در بیابان و جنگل و کوه و صحرا بود» (همانجا).
«همراه مشی از پوست گاو دو جامه ساختم تا در هنگام باد و باران و برف چهارجامه بپوشم» (همان: ۱۲۲).

نتیجه‌گیری

شخصیت‌پردازی در رمان مشی و مشیانه توصیفات دقیقی است که حالات روحی و ظاهری افراد را بتصویر میکشد. در سطح فکری میتوان گفت محمدعلی با انتخاب موضوع اسطوره به نقل روایتها از منابع متعدد به شیوه مستقیم و غیرمستقیم پرداخته و شیوه و سبک نوینی را در رمان فارسی مطرح کرده است. از سوی دیگر وی راوی داستان را زن قرار میدهد تا بتواند همه حوادث را با جزئیات بیان کند. نویسنده در کتاب مشی و مشیانه، زبان باستانی کتابهای منبع را نیز به نثر کتاب افزوده است. باوجود این از زبان محاوره‌ای و سنتی عصر خویش هم غافل نمانده است. استفاده از اسامی خاص و ترکیبات خاص واژگانی و بکارگیری برخی کلمات و ترکیبات عربی، سبب گردیده تا وی در سطح زبانی تفاوت‌هایی با سایر نویسندگان همدوره خود داشته باشد و صاحب‌سبک محسوب گردد. اما در سطح نحوی مهمترین ویژگی این کتاب تقدیم یا حذف افعال میباشد. از سوی دیگر جملات متن در بیشتر موارد بسیار کوتاه هستند و درهم‌آمیختگی در اجزا جمله‌ها نیز دیده میشود. در این میان کاربرد تشبیه برای بیان مقصود

نویسنده از بسامد بالایی برخوردار است. شعرسرای محمد علی و آوردن چند قطعه شعری در داستان به کیفیت و زیبایی داستان افزوده و خواننده را از خستگی میرهاند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از طرح پژوهشی پسادکترای زبان و ادبیات عرب مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران استخراج شده است. خانم دکتر معصومه شبستری راهنمایی این طرح پژوهشی را بعهده داشته‌اند. سرکار خانم سیمین غلامی بعنوان پژوهشگر در گردآوری داده‌ها و تحلیل و تنظیم این طرح پژوهشی در متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوایی مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از دکتر امید مجد بجهت همکاری با این پژوهش و مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و همچنین تالار پژوهش دانشکده ادبیات که در این مدت برخی کتب منبع و مکان مطالعه را در اختیار نویسندگان قرار دادند و همکاری کردند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمام نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن، آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abdollahian, H. (1999). Contemporary prose work. 7nd ed. Tehran: Paya, p.19.
- Afifi, R. (1995). Myths of Iranian culture in Pahlavi writings. Tehran: Toos, p.522.
- Aghda'ei, T. (2002). The role of imagination. 1nd ed. Zanzan: Nikan Ketab, p.8.
- Bahar, M. (1997). Research in Iranian mythology. Tehran: Toos, p.176.
- Biniaz, F. (2014). An Introduction to Fiction and Narrative Studies, 5nd ed. Tehran: Afraz, p. 207.
- Ebadian, M. (1993). An Introduction to Stylistics in Literature. 2nd ed, Tehran: Avaye No, p.44.
- Forum, E. (2001). Forgotten language. translated by Ebrahim Amanat. 7nd ed. Tehran: Firoozeh, p.31.
- Ismailpour, A. (2003). The scope of myth. 2nd ed. Tehran: Hermes, p.4.
- Jideh, A. (2010). New manifestations in contemporary Arabic poetry. Beirut: Nofel Institute, p.105.
- Kharachenko, M. (1984). Creative individuality of the author and the evolution of literature. translated by Nazi Azima. Tehran: Agah, p.97.

- Mirsadeghi, J. (2006). *Story elements*. 5nd ed. Tehran: Sokhan, p.705.
- Mohammad Ali, M. (2015). *mashi and mashianeh*. 2nd ed. Tehran: Ghazal, Pp.1-226.
- Nikobakht, N. (2005). Postmodernism and its reflection in the gypsy novel on fire. *Journal of Mashhad Faculty of Literature and Humanities*, No. 148, Pp. 164-179.
- Pornuroz, F. (2005). *From the bottom of the valley to the first day of love* Conversation with Mohammad Mohammad Ali. Vancouver Canada: Print Depot Publishing, p.12.
- Rimmon, Sh. (2008). *Narrative - Contemporary Poetry.*, translated by Abolfazl Horri. Tehran: Niloufar, p.130.
- Safavi, k. (2013). *Seven Talks About Translation*. Tehran: Surah Mehr, p.75.
- Shamisa, S. (2008). *Stylistics of prose*. 12nd ed. Tehran: Mitra, p.274.
- Shamisa, S. (2009). *Generalities of stylistics*. 3rd ed. Tehran: Mitra, p.153, 216.
- Stanzel, F. (1984). *A theory of narrative*. charlotte goedsche. cambridge: cambridgeup, p.160.
- Younesi, E. (2005). *The art of storytelling*. Tehran: Amirkabir, p.33.

فهرست منابع فارسی

- استانزلی، فرانک ک، (۱۹۸۴) نظریهٔ روایت. ترجمهٔ شارلوت گودشه، کمبریج. اسماعیل پور، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، گسترهٔ اسطوره. چاپ دوم، تهران: هرمس. بهار، مهرداد، (۱۳۷۶)، پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: توس.
- بی‌نیاز، فتح‌الله، (۱۳۹۳)، درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی، چاپ پنجم، تهران: افراز.
- پورنوروز، فرامرز، (۲۰۰۵)، از قعر دره تا روز اول عشق گفتگو با محمد محمد علی. ونکور کانادا: نشر پرینت دیپو.
- جیده، عبدالحمید، (۲۰۱۰)، *الإتجاهات الجديدة في الشعر العربي المعاصر*. بیروت: مؤسسهٔ نوفل.
- خراچنکو، میخائیل، (۱۳۶۴)، فردیت خلاق نویسنده و تکامل ادبیات. ترجمهٔ نازی عظیمیا، تهران: آگاه.
- ریمون کنان، شلومیث، (۱۳۸۷)، روایت داستانی - بوطیقای معاصر. ترجمهٔ ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، سبک‌شناسی نثر. چاپ دوازدهم، تهران: میترا.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۸)، کلیات سبک‌شناسی. چاپ سوم، تهران: میترا.
- صفوی، کوروش، (۱۳۷۱)، هفت گفتار دربارهٔ ترجمه. تهران: سورهٔ مهر.
- عبادیان، محمود، (۱۳۷۲). درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات. چاپ دوم، تهران: آوای نو.
- عبداللهیان، حمید، (۱۳۷۹)، کارنامهٔ نثر معاصر. تهران: پایا.
- عفیفی، رحیم، (۱۳۷۴)، اساطیر فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی. تهران: طوس.
- عقدایی، تورج، (۱۳۸۱)، نقش خیال. زنجان: نیکان کتاب.
- فروم، اریک، (۱۳۸۰)، زبان از یادرفته. ترجمهٔ ابراهیم امانت، چاپ هفتم، تهران: فیروزه.
- محمد علی، محمد، (۱۳۹۴)، مشی و مشیانه. چاپ دوم، تهران: غزال.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۸۵)، عناصر داستان. چاپ پنجم، تهران: سخن.

نیکویخت، نادر و رامین‌نیا، مریم. (۱۳۸۴). پست‌مدرنیسم و بازتاب آن در رمان کولی در آتش، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، (۱۴۸) ۳۸، صص ۱۶۴-۱۷۹.
یونسی، ابراهیم، (۱۳۸۴)، هنر داستان‌نویسی. تهران: امیرکبیر.

معرفی نویسندگان

سیمین غلامی: دانشجوی پسادکترای گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(Email: simingholami52@yahoo.com : نویسنده مسئول)

معصومه شبستری: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(Email: Shabestar@ut.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Simin Gholami: Postdoctoral Student, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Email: simingholami52@yahoo.com : Responsible author)

Masoumeh Shabestari: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Email: Shabestar@ut.ac.ir)